



حجاب خون بهای شهیدان است

مهجوریت ما و بزرگی قرآن

بمباران وحشیانه مردم بی دفاع و مظلوم یمن
ننگی دیگر بر دامن حکام وهابی آل سعود
است، که بار دیگر خوی وحشیانه خودشان را به
جهانیان نشان دادند..

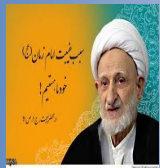
مرگ وننگ باد بر آل سعود جنایتکار

از کجا شروع کنیم از چی بگم، درد، دل انسان را خون می کند وقتی می بیند استقبال از کلاسهای قرآن و محافل قرآنی در اوج خود به تعداد انگشتان دست است. بنده به شخصه مشاهده کردم که وقتی کلاس یادگیری قرآن برگزار می شود متأسفانه با استقبال مواجه نمی شود با اصرار و پافشاری چند نفری مهبای یادگیری می شوند جلسات اول هستن، رفته رفته استاد می ماند و خودش! مشکل کار کجاست؟ آیا قرآن کشش و جذبه ندارد یا مسئولان سهل انگارند و قرآن را به درستی نشناخته اند؟ بله مشکل از ماست که قرآن را نشناخته ایم و از قرآن فقط به ظاهر خواندن و برگزار ی چند مسابقه آن هم با چه برنامه ریزی که حرمت قرآن را هم زیر سوال می بریم، مافقرآن را یاد نگرفته ایم، قرآن دریایی بس عظیم است که از آن فقط احکام آیه هایش را یاد گرفتیم البته اگر یاد گرفته باشیم- مسئله ای که جامعه ما را عذاب می دهد دوری از قرآن و تعالیم آن است.

استاد شریعتی جمله خوبی می گوید: من شرمنده توام اگر از تو آواز مرگی ساخته ام که هر وقت در کوچه مان آوازت بلند می شود همه از هم می پرسند چه کسی مرده است....

خدا در قرآن می فرماید: ورتل القرآن ترتیلا، در حد توان و وسع قرآن بخوانید مادر درست خواندن قرآن مانده ایم چه برسد به اینکه به باطن قرآن برسیم و به آن عمل کنیم. خشت اول گرهنده معمار کج - تا ثریا می رود دیوار کج ، مادر زمینه قرآن کم گذاشتیم و باید جبران کنیم آدم دلش می سوزد وقتی در دانشگاه محفل انس با قرآن با حضور قاریان ممتاز برگزار نمی شود ولی برنامه ها ی دیگر که هیچ عایدی برای دنیا و آخرت ما ندارند همیشه در راس اند ، آدم دلش می سوزد وقتی مسابقات قرآنی در سطح منطقه برگزار نمی شود بلکه در سطح دانشگاهی فیلم میگیرند و اگر داوران تایید کردند به مرحله کشوری می روند! ابراد کار در اینجاست که این مسابقات و محافل در خفا برگزار می شود سعی برای گسترش و رواج فرهنگ قرآنی محدود می شود یا اصلا توسعه ای صورت نمی گیرد. با برگزاری این مراسمات اشخاص انگیزه پیدا کرده سعی در ارتقاء سطح خود می نمایند شخص برای ارتقاء خود دنبال کلاس می رود دنبال قرآن می رود خلاصه فکرش قرآنی می شود و دیگر وقتی برای آهنگ و فیلم و... وقت پیدا نمی کند. درد این است که حال ما خود را از مهجور ماندن در بیابانیم قرآن هیچ موقع زمین نمی ماند چون زندگی که با قرآن باشد همیشه جاوید است چه در این دنیا و چه در آخرت. والسلام

جعفر نشاطی برق ۹۰



سخنانی از آیت الله بهجت (ره)



مادران شکرگزار



داستانی از شهید مطهری



حرف آخر شهید مدافع حرم



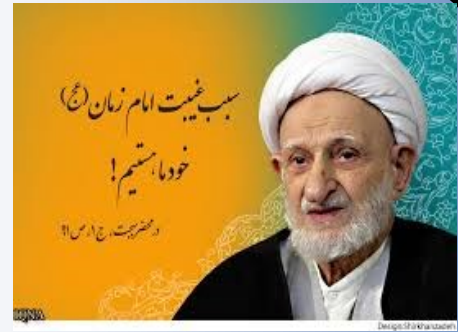
السلام علیک یا ام المصائب



حج واقعی



حاج قاسم



- از ما، عمل چندانی نخواستند اند، مهم تر از عمل کردن، "عمل نکردن" است! تقوا یعنی "عمل گناه را مرتکب نشدن! همه میپرسند چه کار کنیم؟ من میگویم: بگویید چه کار نکنیم؟ و پاسخ اینست: گناه نکنید. شاه کلید اصلی رابطه با خدا " گناه نکردن " است.

- ما باید اهل محاسبه باشیم، هر چند اهل توبه نباشیم و تدارک نکنیم، خود محاسبه مطلوب است.

اگر بدانیم فلان روز حسینی (ع) و فلان روز یزیدی هستیم، بهتر از این است که اصلاً ندانیم یزیدی هستیم یا حسینی. سرانجام ممکن است روزی به خود بیاییم و بخواهیم تدارک کنیم. با توجه به عیوب خویش و اصلاح آنها، فرصت رسیدگی به حساب هر روز خود را نداریم، چه رسد به حساب مردم .

- ما به دنیا آمده ایم که با زندگی کردن قیمت پیدا کنیم این که به هر قیمتی زندگی کنیم.

- وداع از این دنیا برای ما بسیار نزدیک است ولی ما آن را بسیار دور می بینیم. وگرنه این قدر با هم نزاع نداشتیم. هر دو طرف نزاع و یا یک طرف، مرگ را از خود دور می بینند.

- تقوا یعنی اینکه اگر یک هفته مخفیانه از همه کارهای ما فیلم گرفتند و گفتند اعمال هفته گذشته ات در تلویزیون پخش شده، ناراحت نشویم...

چند سخنی از عارف

فرزانه آیت ا. بهجت (ره)

داستانی از استاد شهید مطهری در باره روزه و

عصبانیت

یکی از رفقایمان نقل می کرد که روز اول ماه رمضان بود، روزه گرفتیم رفتیم اداره و تازه با یک آقایی به اصطلاح هم میز و آشنا شده بودیم. او هم روزه می گرفت. بعد از یکی دو ساعت آن رفیقم گفت: فلانی! من می خواهم یک تذکری به شما بدهم. گفتم: بفرمایید. گفت: من خیلی از شما معذرت می خواهم که این تذکر را می دهم ولی خوب لازم می داند که این تذکر را بدهم، از اخلاق بد خودم است، چه عرض کنم. من یک چنین اخلاق بدی دارم که در ماه رمضان که روزه می گیرم عصبانی می شوم، خیلی هم عصبانی می شوم. وقتی هم که عصبانی می شوم دیگر هر چه به دهانم می آید می گویم، حرف بد می گویم، فحش می دهم، توهین می کنم. ممکن است در این ماه رمضان به جنابعالی جسارتی بکنم. خواهش می کنم اگر چنین شد، دیگر روزه است، اخلاق من است، خیلی ببخشید.

این آقای رفیق ما گفت: گفتیم عجب کاری شد! این مرد روز اول ماه رمضان آمد با ما تمام حجت کرد. حالا ما یک ماه رمضان تمام باید از او فحش بشنویم، چون روز اول ماه رمضان گفته اخلاق من این است. گفت: من هم گفتم که عجب تذکر به جایی دادی! اتفاقاً اخلاق من هم همین طور است و بلکه بدتر، در حال روزه عصبانی می شوم، یک وقت می بینی که این دوات را برداشتم و پراندم به سرت. گفت: عجب! خیلی اخلاق بدی است. پس خوب است هر دومان مواظب باشیم .

خیلی حال میده



خیلی حال میده به بچه خوشگل دنیا بیاری

خیلی حال میده تو کودکی همه جا از ادبش و تو بزرگی از اخلاق و صفا و صمیمیتش حرف بزندی

خیلی حال میده به سنین جوانی که رسید وقتی نگاش کنی دلت بره

خوشگل، خوشتیپ، آقا

ولی از همه اینا باحال تر می دونی چیه؟

اینه که وقتی بعد چندین سال چشم انتظاری استخوانی پسر خوشتیپت

بیارن، کفن بگیرن سمت آسمون و آروم بگی :

اللهم تقبل منا هذا القليل ..

حرف های آخر شهید مدافع حرم



شهید مهدی صابری ، فرمانده گروهان علی اکبر(ع)، تیپ فاطمیه، متشکل از شیعیان افغانستان که عملکرد قابل توجهی در صیانت از مقدسات اسلامی در سوریه دارند هفته گذشته در دفاع از حریم آل الله در خاک سوریه به درجه رفیع شهادت نائل آمد. پیکر مطهر این شهید و سه تن دیگر از شهدای تیپ فاطمیه روز جمعه (۱۵ اسفند) همزمان با ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) با حضور گسترده مردم شهیدپرور شهر مقدس قم از مسجد امام حسن عسکری(ع) به طرف آستان مقدس حضرت معصومه(س) و در قطعه شهدای مدافعان حرم بهشت معصومه(س) به خاک سپرده شد. از این شهید والامقام یک فایل صوتی منتشر شده که از آخرین لحظات وی قبل از شهادت و در چند ده متری تروریست های تکفیری حکایت داد: لایا حسین، یا حسین، یا حسین لادقیقا مقابلمون، تکفیری های لعنتی اند/ تعداد زخمی هامون رفته بالا/ دلمون گرمه به حضرت زینب/ دو تا شهید دادیم، هشت تا زخمی، ولی دلمون گرمه که راه خوبی رو انتخاب کردیم/ شارژ موبایلم تموم شده، دیگه زیاد نمی تونم صحبت کنم/ چون مموری های گوشی ام رو برداشته بودم، حافظه ای برای ضبط فیلم ندارم(نفس عمیقی می کشد و ادامه می دهد): اگه ما رو بعد دیدید که هیچ، توفیق ازمون سلب شده/ یا حسین... اگرم ندیدید، ما رو حلال کنید، از ته دل حلال کنید/ خیلی بد کردیم، خیلی / بندگی خدا رو نکردیم... (هق هق گریه امانش نمی دهد).. (با بغضی در گلو به سختی می گوید): خدایا بنده خوبی برات نبودم)... «ادامه می دهد»: شرایطِ سختیه / گریهام نه از ترس بود/ از اینکه بندگی خدا رو نکردم بود. یا حسین زهرا...

(صدای تک تیراندازها قطع نمی شود، ادامه می دهد): این خمپاره آخری، یکی از بچه ها، پای چپش قطع شد/ دستام الان پر خونه/ موبایلم هم، همینطور/ الان پای قطع شدش، به طرف، تنش به طرف..

«یا حسین، یا حسین...»

(گویا یکی از نیروهایش اجازه عقب نشینی می خواهد، فریاد می زند): نه نه! عقب نشینی تو کار نیست، سنگر رو حفظ کن! سنگر رو حفظ کن!!!

(در آخر، پشت بیسیم از هم رزمانش می خواهد اگر می توانند کسی را بفرستند که برایشان آب ببرد، که پاسخ منفی است).

می گوید: یا علی، کربلا، یا علی کربلا...

اسوه صبر

تاریخ، زنی صبورتر از حضرت زینب ندیده است. در واقعه کربلا پسرانش در برابر دیدگان او سر بریده شدند اما شیون نکرد. پس از آن ناظر بود در چند ساعت پیشوایش امام حسین(ع) و برادران و پسران برادرانش به شهادت رسیدند و باز بردباری پیشه کرد. زینب(س) سمبل زنی شجاع، مدبر و لایق رهبری گروهی مصیبت زده در اوضاع و شرایطی بسیار سخت و بحرانی بود. مدیریت بحران را باید در رفتار او بجوییم، گرچه او نیز به ظاهر اسیر و بسته به زنجیر بود و مصیبت ها و ناملایمات، بدن او را فرسوده کرده بود اما در همان حالت چنان اسرا را رهبری می کرد و چنان صبری سترگ و عظیم داشت که برای هیچ کدام از افراد بشر رسیدن به این حد صبر ممکن نیست مگر به فضل خداوند بلندمرتبه. وقتی بانگ رحیل و کوچ در یازدهم محرم سال ۶۱ از وادی کربلا سر داده شد و برای آزردن دل اسرا آنان را بر اجساد کسانشان گذر دادند،



امام زین العابدین(ع) گاهی حزین بر پیکر قطعه قطعه پدر بزرگوارشان انداخت. این نگاه از دید ریزبین حضرت زینب پنهان نماند و خطاب به امام زمان خود فرمود: آنچه می بینی تو را غمین نکند. به خدا سوگند که این حادثه از زمان رسول خدا تا جد و پدر و عمویت نیز اتفاق افتاده بود. حال آنکه خداوند عهدی از گروهی از امت ستانده که فراعنه خاک آنها را نمی شناسند، ولی نزد اهل آسمان آشنایند؛ که این اعضای پاره پاره و تکه تکه و این اجساد به خون تپیده را جمع و دفن کنند. در این بیابان پرچمی برای مزار پدرت (سرور شهیدان) نصب می کنند که هیچ گاه نشان قبرش ناپدید نشده و در اثر گذشت زمان مَیش او گم نشود. سران کفر و گمراهان بر نابودی مزار او بکوشند اما هیچ اثر نکند جز اینکه اثر او ظاهرتر و کار او نمایان تر شود.

کریم صفری مطالعات خانواده ۹۰

حج واقعی



همه ما کم وبیش از اتفاقات اخیر در فرودگاه جده وحملات وحشیانه رژیم پست و کودک کش آل سعودبه یمن اطلاعاتی داریم.این اتفاقات، یک اتفاق نادر در تاریخ جمهوری

اسلامی را رقم زد که باید قبل از اینها اتفاق می افتاد.آن تحریم حج بود تا کمتر پول این مملکت بجای هزینه شدن در امور عمرانی واشتغال و کمک به نیازمندان به جیب حکام وهایی وساکنان سرای سالمندان سعودی برود،وتبدیل به بمب شود وبرسر مردمان مظلوم منطقه ریخته شود.پولی که نیاز خیلی از مردم نیازمند را می توانست رفع کند و خیلی از خانواده ها الان مجبور نبودند تا سختی ها ومشکلات طاقت فرسای نداری را تحمل کنند.وچقدر جوان هایی که صاحب شغل و زندگی می شدند،ولی افسوس بر ما که فقط فکر می کنیم خدا را می توان در بین وهایی های پست وجنایتکار بیابیم وافسوس بر ما که فقط برای رسیدن به شهرت وبه یدک کشیدن اسم مقدس ”حاجی”(که الحق والانصاف اکثریت ما صلاحیت حاجی شدن را نداریم)به حج می رویم.

دوستان به خدا همه چیز به خانه خدا رفتن و توبه در آنجا نیست هرکجا و هرزمان (همانطور که خداوند می فرماید: ما به شما از رگ گردنهایتان نزدیک ترین) اگر بخواهیم توبه کنیم با خدای خود راز ونیاز کنیم می توانیم.ولی افسوس که یا به عقیده خودمان ویا عقیده ای که شاید تحمیل شده بر ما باشد فکر می کنیم فقط خدا در مکه هست و والسلام...نه خداوند همه جا حاضر وناظر است چه در عربستان چه در یمن وچه در آمریکا وایران،خدا همه جا هست،آری خدا در همه جا هست،این ما هستیم که او را ندیده می انگاریم...خدایی که همیشه به فکر ماست..آری دوستان حاجی شدن به این سادگی نیست که حق مردم را بخوریم واختلاس کنیم و مردم آزاری کنیم وهرغلط دیگر..وبعد بریم مکه ویه توبه کنیم وهمه چیز تموم بشه و ما بشیم یک عالم فرزانه ومعصون ازهر گناه وخطا،نه خداوند شاید ازحق خودش بگذرد ولی از حق مردم نمی گذرد در قرآن هم قسم خورده که عذاب بزرگی در انتظار این چنین افراد خواهد بود.. روی دیگر سکه هم بستگی به شرف وغیرت خودمان دارد که آیا به همسایه ای که نان شبش را ندارد کمک کنیم،به دختر دم بخت که بخاطر جهیزیه ازدواج نمی کند کمک کنیم،به پدری که بخاطر بدهی در زندان هست ودر حسرت یه نگاه و بوسه برفزندش است کمک کنیم یا مکه برویم حاجی بشویم وبعد از برگشت هم که خدا می داند که تا آخر حاجی می مانیم یانه؟

آری حج واقعی چشم انتظاری های زن وبچه مرد زندانی و دختر دم بخت و همسایه فقیر است و حال این فرصت تحریم حج بهترین زمان است که خودمان رفتن را قبل از دولت تحریم کنیم و به نیازمندان کمک کنیم که حج واقعی در چشمان منتظر آنهاست...



(پیام سردار حاج قاسم سلیمانی درباره سوریه)

«هر چتربازی که قرار است از هواپیما هلی برن شود، هر تفنگداری که قرار است از ناوها پیاده شود، هر کماندویی که قرار است با نفربر پیاده شود، یادش باشد که قبلا تابوتش را سفارش داده باشد. شامات (سوریه) خط قرمز انقلاب اسلامی است. همانجایی که می تواند معراج ما و گورستان شما باشد.

(پاسخ به تهدید حاج قاسم)

حرامیان نمی دانند مردی را تهدید می کنند که آرزویی جز شهادت ندارد حرامیان نمی دانند که در مکتب حاج قاسم ها ، همان طور که شهید آوینی گفت ، ترس از مرگ معنا ندارد ، که مرگ در این مکتب شهادت است و شهادت ، حیات عندالرب و به قول امام عزیز (ره) : بکشید ما را ، ملت ما بیدارتر می شود. آری حاج قاسم ، نماد زنده شاگردان مکتب روح الله (ره) است .

گاهنامه وارثین

صاحب امتیاز: اداره امورشاهدوایثارگر

مدیرمسئول: کریم صفری

همکاران:

جعفرنشاطی - شهریار حاجی - ابراهیم سیف

درخشانی - فرهادحسن زاده